

دانش و پژوهش در علوم تربیتی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)

شماره دوم - تابستان ۱۳۸۳

صص ۷۷ - ۸۶

بررسی دیدگاه‌های دانشجویان رشته حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت درباره اهمیت و فایده دروس ارائه شده به آنان

زهرة سعادت‌مند^۱ - رضا زارعی^۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی دیدگاه دانشجویان رشته حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت درباره اهمیت و فایده دروس ارائه شده به آنان بوده است. روش تحقیق توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری کلیه دانشجویان (۲۶۵ نفر) ترم آخر دوره کاردانی ناپیوسته و کارشناسی پیوسته رشته حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت در سال ۱۳۸۲ - ۱۳۸۱ بوده است. در نمونه‌گیری که به صورت تصادفی طبقه‌ای انجام گرفت، ۱۳۰ نفر انتخاب شده‌اند. ابزار تحقیق پرسشنامه محقق ساخته بوده که پرسشهای آن به صورت بسته پاسخ در مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت تنظیم گردیده بود. برای برآورد روایی پرسشنامه از روش محتوایی استفاده شد و اعتبار پرسشنامه از طریق ضریب آلفای کرونباخ، ۸۹ درصد به دست آمد. تجزیه و تحلیل آماری در دو سطح توصیفی و استنباطی صورت گرفت. نتایج به دست آمده نشان داد که دانشجویان، تناسب بین محتوای دروس ارائه شده با تحولات دانش بشری

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.

۲- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

را با میانگین ۱/۹۴، تناسب محتوا با تواناییها و امکانات دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت را با میانگین ۲/۰۷، تناسب محتوا با نیاز جامعه را با میانگین ۲/۳۵، تناسب محتوا با خواستها و علایق دانشجویان را با میانگین ۱/۹۳ در سطح کمتر از متوسط دانسته و همچنین معتقدند که اجرای سرفصل‌های دروس با میانگین ۲/۸۱ و پاسخگو بودن این سرفصل‌ها در ابعاد گوناگون با میانگین ۲/۹۴ در حد کمتر از متوسط بوده است. کلید واژه‌ها: حسابداری، تناسب محتوایی، اعتبار دانشگاه، برنامه درسی، منابع درسی.

مقدمه

امروزه نیروی انسانی متخصص عاملی مهم و اساسی در فرایند رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشورها به حساب می‌آید. از آنجا که جامعه ایران در جهت مرمت، بازسازی و برتر از همه توسعه حرکت می‌کند، نیاز فراوانی به نیروهای متخصص دارد. یکی از هدفهای عمده نظام آموزش عالی، پرورش نیروی انسانی متخصص مورد نیاز توسعه کشور و کمک به حل مسائل جامعه است.

توسعه حرفه حسابداری و حسابرسی در دنیا ناشی از گسترش فعالیتهای اقتصادی در جوامع و تمایل روزافزون دولتها بر نظارت واحدهای اقتصادی و جلوگیری از فساد و تقلب در آنها از طریق وضع قوانین تجارت برای حمایت از سرمایه‌گذاری‌های سالم و صیانت از خزانه عمومی بوده است. علاوه بر این نقش اعتبارات بانک‌ها در فعالیتهای واحدهای اقتصادی نیز موجب افزایش نیاز به نظارت بیشتر این واحدها و توسعه حرفه حسابداری و حسابرسی گردیده است و سرانجام تفکیک مالکیت از مدیریت، رسمیت بخشیدن به حرفه حسابداری و انجام حسابرسی‌های منظم را ضروری کرده است (تقی‌نژاد عمران، ۱۳۷۶).

یکی از عوامل مهم توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه استفاده از نظامهای حسابداری به عنوان نظام انفورماتیک می‌باشد. توجه به حسابداری به عنوان یک عامل توسعه بخش، زیربنای لازم برای رسیدن به اهداف توسعه اقتصادی تلقی می‌شود. از طرفی مسائلی چون آماده نبودن به موقع حسابها، نظارت‌های داخلی ضعیف، کافی نبودن مدیریت حسابداری، سوابق ناقص و غیرقابل اطمینان حسابداری، سیستم‌های غیرقابل حسابرسی (به مفهوم صحیح خود)، حسابداری ضعیف درآمد ملی و کاستی‌های دیگر در صحنه عمل ارتباط تنگاتنگی با دانش و مهارتهای فارغ‌التحصیلان

رشته حسابداری دانشگاه‌های کشورمان دارد. مسؤلیت برخی از این مسائل را شاید بتوان به نظام آموزشی (برنامه درسی، استاد واجد شرایط، دانشجوی واجد شرایط، کافی بودن منابع درسی، اعتبار دانشگاه، اعتبار کمیته‌های برنامه‌ریزی و تصویب‌کننده برنامه درسی رشته‌های تحصیلی دانشگاهی) نسبت داد که توانایی پرورش حسابداران را مطابق با توقعات و نیازهای اجتماعی، اقتصادی جامعه ندارند (نوروش، ۱۳۷۲).

دانشجویان حسابداری بعد از اتمام تحصیلات، در شاخه‌های تخصصی حسابداری به کار می‌پردازند. بی‌گمان یافته‌های دوره‌های آموزشی، قابلیت‌هایی برای موفقیت در این حرفه‌ها فراهم می‌کند. به نظر می‌رسد فرایند فعلی آموزش حسابداری در ایران دارای کمبودهایی باشد و توانایی لازم برای تربیت افراد شایسته و تصدی این حرفه‌ها را نداشته باشد. شاید یکی از دلایل عدم موفقیت نظام آموزشی این باشد که در تدوین برنامه‌های درسی مقاطع دانشگاهی در رشته حسابداری و یا رشته‌های دیگر تحصیلی پژوهش‌های کافی صورت پذیرفته و برنامه درسی تنها براساس تقلید از برنامه‌های آموزشی دانشگاه‌های کشورهای غربی و در نظر نگرفتن ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور صورت پذیرفته است و چون نظام آموزشی کشورمان به صورت متمرکز اداره می‌شود و یگانه عاملی که می‌تواند بین همه دانشگاه‌ها به صورت یکسان عمل کند برنامه درسی است، لذا ضروری است سرفصل‌های درسی به‌عنوان یکی از محورهای مهم در فرایند آموزش، توجه به مقتضیات زمان و نیاز جامعه تهیه گردد و جنبه‌های کاربردی آموزش در نظر گرفته شود و در اختیار مراکز آموزشی قرار گیرد.

دلالتره (۱۹۹۸) معتقد است که برنامه درسی همان برنامه مطالعه است و خود برنامه درسی و هر رشته‌ای در آن، انتخابی از مطالعات و مواد ترسیم شده محتوا، روشها، تمرینات و نظرات ممکن می‌باشد. فرقانی فرد (۱۳۸۰) نیز بر این عقیده است که متغیر بودن نوع نیازها و تحولات علمی دنیا، مانع ارائه یک برنامه درسی برای مدتی طولانی می‌شود و به‌روز کردن آنها، پیشرفت دانشجویان و توسعه مراکز آموزشی و در نهایت توسعه کل کشور را در برخواهد داشت و همین مسأله می‌طلبد که با انجام نیازسنجی مداوم، برنامه‌ها را از حالت ایستا به حالتی پویا در آورد.

لاوت (۱۹۹۶) معتقد است که آموزش عالی تحت یک الگوی منسوخ و قدیمی است و نیازهای آموزشی رایج را منعکس نمی‌کند. وی عقیده دارد برنامه درسی باید با تأکید بر شایستگی عملی فراگیر از نو سازمان داده شود.

مسلم است که اگر نتوانیم دانش و مهارت نیروی انسانی خود را با تکیه بر نیازهای آموزشی آنان توسعه دهیم در فرایند رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با مشکل روبه‌رو خواهیم شد. بنابراین سنجش نیازها باید در درجه اول برای تعیین اهداف و اولویت‌های یک برنامه آموزشی انجام شود، زیرا تعیین نیازهای آموزشی در زمینه‌های گوناگون بر کارایی نیروی انسانی در زمانهای مختلف تأثیر می‌گذارد. در همین راستا این پژوهش در نظر دارد از طریق نظرسنجی میزان تناسب بین برنامه‌های آموزشی ارائه شده و نیاز دانشجویان حسابداری را مشخص نماید. منابع درسی کافی و معتبر فرایند مطلوب فعالیتهای دو عنصر استاد و دانشجو است و ریشه کاستی‌های موجود در منابع درسی را باید در عناصر استاد و دانشجو جست‌وجو کرد. با اهمیت دادن به سرفصل‌ها و بررسی تناسب آنها با تحولات علمی و اجتماعی در سطح ملی و جهانی و همچنین بررسی نحوه ارتباط موضوع‌ها در سرفصل‌های مختلف با یکدیگر و با استفاده از نظرات دانشجویان و استادان، می‌توان کاستی‌های موجود در نظام آموزشی را شناسایی و در جهت رفع آنها کوشش کرد. محقق معتقد است که می‌توان از طریق بررسی نیازهای آموزشی یا در حقیقت بررسی انتظارات دانشجویان و هماهنگ کردن سرفصل‌های دروس رشته حسابداری با نیازهای جامعه، در جهت ارتقای سطح کیفی دانش و مهارتهای دانشجویان رشته حسابداری گامهای مؤثری برداشت.

پرسشهای پژوهش

پرسشها با توجه به هدفهای پژوهش به این شرح مطرح شده‌اند:

- ۱- آیا امکانات و تواناییهای دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت متناسب با محتوای دروس است؟
- ۲- آیا محتوای دروس متناسب با تحولات دانش بشری، علایق دانشجویان و نیازهای جامعه روزآمد شده است؟
- ۳- آیا سرفصل‌های دروس در کلاس اجرا شده‌اند و در ابعاد گوناگون پاسخگو هستند؟

روش تحقیق

این تحقیق با توجه به اینکه به بررسی نگرش دانشجویان پرداخته توصیفی - پیمایشی است و از آنجا که پژوهشگر به دنبال کشف و بررسی روابط بین عوامل و شرایط خاص

با نوعی رفتار که قبلاً وجود داشته یا رخ داده، از طریق مطالعه نتایج حاصل است، تحقیق علی یا پس‌رویدادی است.

جامعه آماری در این پژوهش، کلیه دانشجویان ترم آخر کاردانی ناپیوسته و کارشناسی پیوسته رشته حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت در سال تحصیلی ۱۳۸۲ - ۱۳۸۱ بوده‌اند. دانشجویان در این زمان یا همه دروس تخصصی خود را گذرانده و یا در حال گذراندن بودند. کل جامعه آماری این تحقیق ۲۶۵ دانشجو شامل ۱۱۵ دانشجوی کاردانی ناپیوسته (۴۵ پسر و ۷۰ دختر) و ۱۵۰ دانشجوی کارشناسی پیوسته (۸۰ پسر و ۷۰ دختر) بوده‌اند.

ابزار تحقیق پرسشنامه محقق ساخته بود و سؤالات پرسشنامه به صورت بسته پاسخ در دو بخش اصلی تنظیم گردید. در بخش اول با طرح ۲۲ سؤال، نسبت به جمع‌آوری اطلاعات از دانشجویان درباره چهار سؤال تحقیق اقدام گردید. در بخش دوم فهرستی از سرفصل دروس تخصصی دوره کارشناسی و کاردانی تهیه و نسبت به گردآوری اطلاعات در مورد دو سؤال آخر تحقیق، شامل خلاصه تمامی سرفصل‌های دروس تخصصی کارشناسی پیوسته حسابداری در ۴۴ گزینه و کاردانی ناپیوسته حسابداری در ۳۶ گزینه در مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت، اقدام گردید.

یافته‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی صورت گرفت. اطلاعات گردآوری شده در ارتباط با سؤالات تحقیق در جدول زیر ارائه شده است. داده‌های جدول ۱ نشان می‌دهد که متوسط نمره میزان تناسب محتوا با امکانات و تواناییهای دانشگاه ۱/۹۴ و انحراف معیار ۰/۵۴۱، متوسط نمره میزان تناسب محتوای دروس با تحولات دانش بشری ۲/۰۷ و انحراف معیار ۰/۶۱۳، متوسط نمره میزان تناسب محتوای دروس با علایق و خواسته‌های دانشجویان ۲/۳۵ و انحراف معیار ۰/۷۸۲، متوسط نمره میزان تناسب محتوای دروس با نیازهای جامعه ۱/۹۳ و انحراف معیار ۰/۷۲۴ بوده است و با توجه به اینکه t مشاهده شده در تمامی سؤالات از مقدار بحرانی جدول در سطح $P < ۰/۰۵$ است، بنابراین تناسب محتوای دروس با گزینه‌های فوق کمتر از سطح متوسط بوده است.

جدول ۱- مقایسه میانگین نمرات پاسخگویان در ارتباط با پرسشهای پژوهش

متوسط	انحراف معیار		پرسشهای پژوهش	
	(S)	Se	t	
۱/۹۴	۰/۵۴۱	۵/۱۶	-۲۰/۳۸	آیا امکانات دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت متناسب با محتوای دروس است؟
۲/۰۷	۰/۶۱۳	۵/۸۴	-۱۵/۸۹	آیا محتوای دروس متناسب با تحولات دانش بشری روزآمد شده است؟
۲/۳۵	۰/۷۸۲	۷/۴۶	-۸/۷۰	آیا محتوای دروس متناسب با علایق و خواستههای دانشجویان است؟
۱/۹۳	۰/۷۲۴	۶/۹۰	-۱۵/۴۷	آیا محتوای دروس متناسب با نیازهای جامعه است؟

جدول ۲- یافته‌های مربوط به میزان اجرا و پاسخگو بودن سرفصل‌های دروس

متوسط	انحراف معیار		پرسشهای پژوهش	
	(S)	Se	t	
۲/۸۱	۰/۵۱۶	۰/۰۴۹	-۳/۷۸	آیا سرفصل دروس در کلاس اجرا شده‌اند؟
۲/۹۴	۰/۶۶۹	۰/۰۶۳	-۰/۷۹۶	آیا سرفصل دروس در ابعاد گوناگون پاسخگو بوده‌اند؟

جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که متوسط نمره میزان اجرای سرفصل دروس ۲/۸۱ و انحراف معیار ۰/۵۱۶ و متوسط نمره میزان پاسخگو بودن سرفصل دروس ۲/۹۴ و انحراف معیار ۰/۶۶۹ بوده است. با توجه به اینکه t مشاهده شده در هر دو سؤال از مقدار بحرانی جدول در سطح $P < ۰/۰۵$ است، بنابراین سرفصل‌های دروس، هم کمتر از سطح متوسط اجرا شده و هم کمتر از سطح متوسط پاسخگو بوده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های سؤال اول پژوهش نشان می‌دهد که t مشاهده شده از مقدار بحرانی جدول در سطح $P < 0/05$ است. بنابراین امکانات و تواناییهای دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت متناسب با محتوای دروس نیست.

از آنجا که واحدهای دانشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی به‌طور مستقل و بدون مساعدتهای مالی دولت فعالیت می‌کنند، وجود چنین نقص‌هایی دور از ذهن نیست، چون واحدهای دانشگاهی باید با همان درآمدی که از شهریه دانشجویان به‌دست می‌آورند، تمامی هزینه‌های خود را پرداخت نمایند لذا طبیعی است که هر چقدر واحدهای دانشگاهی کوچکتر باشند، درآمدهای کمتری هم دارند و مشکلات آنها نیز بیشتر خواهد بود و قسمت اعظم درآمد خود را صرف هزینه‌های جاری می‌کنند و در قسمت آموزشی و پژوهشی همیشه با کمبود بودجه روبه‌رو هستند. البته به نسبت سایر واحدهای کوچک دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه مرودشت در قسمتهای آموزشی و پژوهشی فعالیتهای چشمگیری داشته است که این فعالیتها لازم هستند، اما کافی نیستند. نتیجه‌ای که از تجزیه و تحلیل یافته‌های سؤال دوم پژوهش می‌توان گرفت این است که محتوای دروس نیز با تحولات دانش بشری روزآمد نشده است، زیرا t مشاهده شده از مقدار بحرانی جدول در سطح $P < 0/05$ است. بنابراین تناسب محتوای دروس با تحولات دانش بشری کمتر از سطح متوسط بوده است که نتایج این تحقیق با تحقیقات عظیمی (۱۳۷۶) و وزیر (۱۳۷۸) همسو می‌باشد.

همان‌گونه که در پژوهشهای فوق آمده است محتوای دروس متناسب با تحولات دانش بشری نیست، زیرا تحقیقات و پیشرفتهای جدیدی در علوم مختلف صورت گرفته که متخصصان و کارشناسان آن رشته به این اطلاعات نیاز مبرم دارند و باید به پیشرفتهای جدید در رشته خود واقف گردند تا بتوانند پاسخگوی نیاز بازار کار باشند که متأسفانه این اطلاعات جدید به دلیل عدم ارزشیابی مستمر، در محتوای دروس لحاظ نگردیده است.

با تجزیه و تحلیل داده‌های سؤال سوم پژوهش می‌توان نتیجه‌گیری کرد که محتوای دروس با علایق و خواستههای دانشجویان سازگار نیست. نتایج این تحقیق با

تحقیق موسی‌پور و شعبانی (۱۳۷۶) همسو است. به نظر می‌رسد یکی از دلایل اصلی نتایج تحقیقات گفته شده که دال بر بی‌توجهی به رغبت‌ها و خواسته‌های دانشجویان در محتوای دروس است، همانا فراموش کردن فراگیران و نیازهای آنان در هنگام تعیین محتوای دروس می‌باشد. برنامه‌ریزان باید به این نکته توجه داشته باشند که این فراگیر است که باید یاد بگیرد، پس باید ضمن تحقیق و بررسی با دخالت دادن نظرات دانشجویان موجبات علاقه و رغبت آنان را به محتوای دروس فراهم کنند.

تجزیه و تحلیل یافته‌های سؤال چهارم پژوهش نشان می‌دهد که ۱ مشاهده شده از مقدار بحرانی جدول در سطح $P < 0/05$ است، بنابراین تناسب محتوای دروس با نیازهای جامعه کمتر از سطح متوسط بوده است.

پس ضروری است که شورای عالی برنامه‌ریزی یا سایر نهادهای مسئول، محتوای دروس را مورد بازنگری مستمر قرار دهد و ضمن مشورت با متخصصان و استادان رشته حسابداری و جمع‌آوری اطلاعات از صاحبان صنایع و مشاغل مختلف صنعتی، خدماتی، تولیدی در پویا کردن و هماهنگ نمودن محتوای دروس با نیازهای جامعه بکوشند.

با تجزیه و تحلیل داده‌های سؤال پنجم پژوهش مشخص گردید که سرفصل‌های دروس کمتر از سطح متوسط اجرا شده است. در این خصوص لازم است که استادان محترم با وسواس بیشتری سعی در اجرای سرفصل‌های مصوب نمایند و اگر بعضی از بخش‌های سرفصل درس را کهنه و منسوخ می‌دانند با تفهیم این مطلب به دانشجو و معرفی منابع جدید موجبات خرسندی آنان را فراهم آورند.

از تجزیه و تحلیل سؤال ششم پژوهش می‌توان دریافت که سرفصل‌های موجود پاسخگو نیستند. که دلیل این امر ممکن است دو چیز باشد؛ یا سرفصل‌های موجود به‌طور کارشناسانه و مطابق با نیازهای جامعه و فراگیران تهیه و تدوین نگردیده است و یا تفاوت بین یادگیری و عملکرد باعث شده که نظر دانشجویان پاسخگو نبودن سرفصل‌ها باشد. بدین معنا که ممکن است سرفصل‌ها در ابعاد مختلف پاسخگو باشند، ولی چون موقعیتی پیش نیامده که بتوانند قابلیت‌های سرفصل‌های دروس را محک بزنند، رأی به پاسخگو نبودن سرفصل‌ها داده‌اند. نتیجه این تحقیق با تحقیقات تاجمیر ریاحی (۱۳۷۲) و نرووش (۱۳۷۳) هماهنگ است.

محدودیت‌ها و پیشنهادها

با توجه به محدودیت زمانی و امکانات مالی، پژوهشگر نتوانست تحقیق خود را در مورد دانشجویان کاردانی پیوسته حسابداری به مرحله اجرا در آورد. لذا پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی این مورد لحاظ گردد.

پژوهش حاضر فقط در سطح دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت به مرحله اجرا درآمد و در تعمیم نتایج آن باید با احتیاط عمل کرد و بهتر آن است که در پژوهش‌های بعدی سایر دانشگاه‌های آزاد اسلامی و دیگر مؤسسات آموزش عالی نیز مورد بررسی قرار گیرند.

پیشنهاد می‌گردد که شورای عالی برنامه‌ریزی، مراکز آموزش عالی را موظف نماید تا با تحقیق و تتبع بیشتر و جمع‌آوری اطلاعات لازم از دانشجویان، استادان و کارشناسان و متخصصان حسابداری سعی کنند، محتوای برنامه‌های آموزشی را مورد بازنگری مستمر قرار دهند تا حیات و پویایی جامعه با پویا و به روز کردن دروس دانشگاهی تضمین گردد.

منابع

تاجمیر ریاحی، حسین‌علی. (۱۳۷۲)، «بررسی ارتباط محتوای برنامه‌های درسی رشته حسابداری تا سطح کاردانی با میزان مهارت شغلی در استان تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی.

تقی‌نژاد عمران، م. (۱۳۷۶)، «نقش حسابداران رسمی در بهبود نظام مالیاتی»، فصلنامه مالیات، دوره دوم، شماره ۳، ص ۲۱.

عظیمی، مجید. (۱۳۷۶)، «ضرورت تغییر برنامه آموزشی و روش تدریس حسابداری در ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.

فرقانی فرد، فریبا. (۱۳۸۰)، «بررسی تناسب سرفصل‌های درسی دوره کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی آموزشی با نیازهای آموزشی دانشجویان در دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، دانشکده تحصیلات تکمیلی.

موسی پور، نعمت‌الله و باقر شعبانی. (۱۳۷۶)، «ارزشیابی برنامه درسی مقطع دکتری رشته‌های علوم تربیتی در ایران»، مجموعه مقالات نخستین سمینار آموزش عالی ایران، جلد دوم، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ص ۴۶ - ۴۹.

نوروش، ایرج. (۱۳۷۲)، «تحقیقی پیرامون تدوین برنامه درسی دوره کارشناسی رشته حسابداری مناسب برای نیازهای حرفه حسابداری و حسابرسی در ایران»، پایان‌نامه دکتری حسابداری، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اداری و مدیریت.

وزیری، مزده. (۱۳۷۸)، «نظام برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی ایران، ویژگیها و جهتگیری‌ها»، پایان‌نامه دکتری «برنامه‌ریزی درسی» دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.

DELATTRE, E. (1998). Education and the Public trust: the Imperative for common purposes, Washington, Ethics and Public policy center.

LOVETT, C. (1996). How to start Restucturing Our college: Planning for Higher education, Vol. 3, New York: Harper & Row.

وصول: ۸۲/۷/۱

پذیرش: ۸۲/۱۱/۲۳

شعبه پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی